

رسالت آموزشی و تربیتی مراکز آموزشی

علی شریعتمداری

استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم

shariat@saba.tmu.ac.ir

روش کار و علم در آن از مطالعات فرسنگ

در مراکز آموزشی سارا که شامل از ابتدای آموزش تا پیش

فراگیری مطالبه دانش عمده در آن مراکز است و در این

مطالبه کتابت مطالبه دانش است و در این مراکز است و در این

مراکز در کتابت مطالبه دانش است و در این مراکز است و در این

ایمانات است

در این مراکز است و در این مراکز است و در این مراکز است و در این

می شوند و در این مراکز است و در این مراکز است و در این مراکز است و در این

یاد می گیرند که سارا که شامل از ابتدای آموزش تا پیش

مشارکت می باشد و در این مراکز است و در این مراکز است و در این مراکز است و در این

و از گان کلیدی نقش تربیتی و علمی مراکز آموزشی است و در این مراکز است و در این

شیوه مطلوب در آموزش

آموزش در مراکز مختلف آموزشی - دبستان، دبیرستان و دانشگاه - بر مبنای اصول علمی و تربیتی انجام نمی‌گیرد. در این مراکز، ظاهراً معلم یا استاد، فعال است. فعالیت معلم یا استاد به صورت ایراد سخنرانی و بیان مطالب علمی ظاهر می‌گردد. شاگرد و دانشجو نیز برخی از نکته‌های بیان شده استاد را یادداشت می‌کند و همراه با آنچه که در کتاب درسی ذکر شده است حفظ می‌نماید. در امتحان نیز محفوظات شاگرد از طریق امتحانات تستی ارزیابی می‌شود.

تحلیل این فرایند نشان می‌دهد که نه معلم یا استاد در آموزش واقعاً فعال است و نه شاگرد در فراگیری مطالب علمی، فعالیتی از خود نشان می‌دهد. نتیجه این‌گونه آموزش، بالا رفتن سطح محفوظ است. به سخن دیگر، نه استاد در فرایند آموزش نقش اساسی را ایفا می‌کند و نه شاگرد در فراگیری مطالب، آن‌گونه که می‌تواند اقدام می‌کند. بدون تردید حفظ مطالب در زمان معین، ذهن شاگرد را به خود مشغول می‌دارد ولی چیزی نمی‌گذرد که محفوظات دچار فراموشی می‌شود.

اکنون باید دید آموزش به چه صورت جنبه علمی پیدا می‌کند. از سوی دیگر باید دید نقش شاگرد در فرایند یادگیری چیست؟

نگارنده در ارائه این شیوه تازه آموزش، چند امر تازه را مطرح کرده است. در اجرای این شیوه، شاگرد باید قبل از حضور در کلاس مبحث مورد نظر یا موضوع تازه را خود، مطالعه کند.

شیوه پیشنهادی، مبتنی بر اقداماتی است که دانشمندان در تدوین مبحث علمی انجام می‌دهند. بنابراین مناسب است مروری بر این شیوه داشته باشیم.

دانشمندان در هر رشته علمی، پس از برخورد با یک موقعیت پیچیده، مبهم و نامعلوم ابتدا به تحلیل موقعیت می‌پردازند و از این طریق، مسئله یا مسائل موجود در موقعیت را مشخص می‌نمایند و آنها را به صورتی روشن مطرح می‌سازند.

پس از طرح مسئله یا مسائل، دانشمند در هر رشته به جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مسئله یا مسائل اقدام می‌کند. جمع‌آوری اطلاعات در هر رشته با موضوعات آن رشته ارتباط دارد. از باب مثال؛ زیست‌شناس برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف حیاتی به یک صورت عمل می‌کند و



روان‌شناس، برای شناختن انسان و نحوه عمل و رفتار افراد آدمی به‌صورتی دیگر اقدام می‌کند.

دانشمند پس از جمع‌آوری اطلاعات به تفسیر یا توضیح اطلاعات می‌پردازد. هر دانشمند، فرضیه‌ای را که با اطلاعات موجود سازگاری داشته باشد می‌پذیرد و آن را به عنوان راه حل مسئله، ارائه می‌دهد. همه دانشمندان در هر رشته باید این مراحل را طی کنند.

با روشن شدن چگونگی تدوین یک مبحث علمی اکنون می‌توان در مورد شیوه آموزش، تصمیم گرفت. از نظر نگارنده آموزش باید به‌صورتی انجام گیرد که تمام مراحل تدوین مبحث علمی را در برگیرد. به سخن دیگر، معلم یا استاد سعی می‌کند شاگردان یا دانشجویان را با موقعیتی که دانشمند با آن روبرو شده است آشنا سازد. از این طریق، شاگردان و دانشجویان ماهیت مسئله یا مسائل موجود در موقعیت را درک می‌کنند. پس از مشخص شدن مسئله یا مسائل، فراگیران همان مراحل را که دانشمند طی کرده است پیروی می‌نمایند. از این طریق، آنها فرضیه‌های مطرح شده را بهتر و دقیق‌تر درک می‌کنند. به سخن دیگر از نظر نگارنده، شیوه آموزش همان شیوه تحقیق است. آموزش باید مراحل را که دانشمند در تدوین مبحث علمی طی می‌کند در برگیرد.

تحلیل یک مبحث علمی ما را به امور زیر آشنا می‌سازد:

- ۱- نظریات دانشمندان ۲- مفاهیم موجود در هر زمینه ۳- اصول و قوانین مطرح شده درباره هر موضوع و روش اجرا شده در تدوین فرضیه.

نقش فراگیر

فراگیران باید مبحث مورد نظر را قبلاً مطالعه کنند. آنها نظریات، مفاهیم، اصول و قوانین مطرح شده را همراه با روش کار دانشمند، بررسی می‌کنند. ارائه مبحث علمی باید توسط فراگیران انجام شود. نظر به اینکه همه دانشجویان قبل از حضور در کلاس، مبحث را مطالعه کرده‌اند همه می‌توانند در ارائه آن در کلاس شرکت کنند.

نقش معلم

وظیفه معلم در این شیوه، هدایت فعالیت‌های دانشجویان است. او به جای سخنرانی سعی می‌کند که فعالیت دانشجویان را در بیان نظریات علمی، در طرح مفاهیم تازه و در ارائه اصول و قوانین هدایت کند. به سخن دیگر اگر دانشجویان در ارائه نظریات و یا در بیان مفاهیم و اصول و قوانین با ابهام یا اشکال روبرو شدند، معلم یا استاد به آنها کمک می‌کند تا ابهام موجود را از میان بردارند.

اجرای این شیوه هم آثار علمی دارد و هم نتایج تربیتی به بار می‌آورد. چندی است که روان‌شناسان درباره فعال بودن فراگیران در فرایند یادگیری بحث می‌کنند اما کمتر درباره جزئیات و چگونگی این روش بحث شده است.

آیا حفظ کردن مطالب دلیل بر فعال بودن شاگرد است؟

آیا طرح یک یا دو سؤال در کلاس درس، دلیل بر فعالیت شاگرد است؟ پاسخ به هر دو سؤال منفی است. همان‌طور که در روش پیشنهادی آمده است شاگرد، خود باید در فرایند یادگیری فعال باشد. فعال بودن فراگیر در فرایند یادگیری مستلزم انجام اقدامات زیر است:

۱. فراگیر باید مبحث موردنظر را قبلاً مطالعه کند.

۲. باید اجزاء اصلی یک مبحث علمی را برای خود مشخص سازد.

اجزاء اصلی یک مبحث عبارت‌اند از:

۱. درک نظریات ارائه شده از سوی دانشمندان.

۲. درک مفاهیم تازه در هر مبحث و مشخص کردن این مفاهیم و

ارائه تعریف روشن برای هر مفهوم.

۳. درک قوانین مطرح شده در هر مبحث

۴. درک اصول مطرح شده در هر مبحث

۵. آشنایی با شیوه برخورد دانشمند با نظریات مطرح شده.

همه فراگیران باید نظریات مطرح شده در هر مبحث را همراه با مفاهیم ارائه شده به زبان خود یادداشت کنند. علاوه بر این، آنها باید بتوانند نظریات بیان شده در مبحث را در کلاس درس، ارائه دهند. آنها همچنان باید بتوانند مفاهیم تازه را به صورت روشن بیان نمایند.



به کارگیری این شیوه، پیامدهای علمی و تربیتی به دنبال دارد که به اختصار ذکر می‌شود:

پیامدهای علمی

در مواردی ملاحظه می‌کنید که برخی از افراد، به طور سطحی قضاوت می‌کنند؛ مطلبی را بدون اینکه درک کرده باشند، رد یا قبول می‌کنند؛ از قبول منطقی خودداری می‌کنند و در مواردی، تعصب به خرج می‌دهند؛ تعصب به معنای طرفداری از نظریه یا رویه‌ای است که فاقد دلیل قانع‌کننده است. نکته اساسی در اینجا این است که آیا افراد، اصولاً در مدرسه یا دانشگاه به مبحث علمی پرداخته‌اند؟ در کجا یاد گرفته‌اند که نظر خود را با دلایل قانع‌کننده همراه سازند؟

شیوه پیشنهادی در این مقاله، فراگیران را به تدریج با مواجهه منطقی آشنا می‌سازد و به آنها می‌آموزد که حرف منطقی را بپذیرند و از پذیرش حرف غیرمنطقی خودداری کنند.

در اجرای روش پیشنهادی، فراگیر به تدریج روحیه علمی پیدا می‌کند و تلاش می‌کند آنچه را که می‌گوید با دلیل همراه سازد و به طور روشن بیان کند. این شیوه، شاگردان را در هر مبحث به تفکر وامی‌دارد. به سخن دیگر، شاگردان از طریق تفکر، مطالب تازه را فرا می‌گیرند.

توجه به فرمایش پیامبر اکرم (ص) - تفکر ساعه افضل من عبادته سبعین سنه؛ لا عبادته کالتفکر - اهمیت تفکر را روشن می‌سازد.

پیامدهای تربیتی

این شیوه، آثار تربیتی فراوان دارد. از نظر نگارنده تربیت یعنی هدایت فرد در بعد عقلانی، عاطفی، اخلاقی و معنوی.

در اجرای این روش پیشنهادی، قدرت عقلانی یا فکری فراگیر رشد می‌کند و یاد می‌گیرد که چگونه بر عواطف و احساسات خود مسلط باشد. هنگام برخورد با نظر مخالف به جای عصبانیت، احساسات خود را مهار و به طور معقول، با نظر مخالف برخورد کند و آنچه را با دلیل همراه دید، بپذیرد.

در اجرای این روش، فرد می‌تواند روابط معقول با دیگر همکاران، برقرار سازد. وقتی فراگیر می‌بیند همکلاسی او مطلب را بهتر فهمیده یا در ارائه

مفاهیم، خوب عمل کرده است از او تشکر می‌کند و این، زمینه اخلاقی شخصیت را تقویت می‌نماید.

با اجرای این روش، فراگیران متوجه نظام قانونی جهان و پدیده‌ها می‌شوند و از این طریق، توجه آنها به آفریننده جهان جلب می‌شود. لذا اگر ما بتوانیم این شیوه پیشنهادی را در مراکز مختلف آموزشی اجرا کنیم، در این صورت این مراکز به عنوان مراکز تربیتی تلقی می‌شوند و در واقع با اجرای این روش، تربیت در جنبه‌های مختلف شخصیت محقق می‌شود.

مواجهه منطقی با مسائل علمی، ما را قادر می‌سازد تا در زندگی، با مسائل مختلف به صورت منطقی برخورد کنیم.

اجرای این روش به ما می‌آموزد که چگونه با دیگران به گونه‌ای احترام‌آمیز و توأم با صمیمیت رفتار کنیم. تفاهم، همکاری، تبادل نظر، اشتراک مساعی و... همه در اجرای این روش، صورت می‌گیرد.

به سخن دیگر، اجرای این روش، نه تنها مراکز آموزشی را متحول می‌سازد بلکه به ما می‌آموزد که در حیات خانوادگی و جمعی، چگونه با دیگران روبرو شویم، چگونه با دیگران تفاهم داشته باشیم و چگونه در حل مسائل اقدام کنیم. اجرای این روش در مراکز آموزشی به تدریج شیوه زندگی ما را نیز تغییر می‌دهد.

از نظر نگارنده، مشکل جامعه مشکل تربیتی است. آنچه باعث انحراف، کج‌اندیشی، تجاوز به حقوق دیگران، خصومت و تنفر افراد از یکدیگر می‌شود، نتیجه برخوردار نبودن از تربیت صحیح است.

با اجرای این روش، مدارس و دانشگاه‌ها کارکرد تربیتی پیدا می‌کنند. این مراکز می‌توانند در ابعاد عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و معنوی، افراد را به سوی رشد و کمال سوق دهند و آنها را برای رفتار سنجیده و منطقی با دیگران آماده سازند.

توضیحات بالا اهمیت تربیت را در مراکز آموزشی و در زندگی اجتماعی روشن می‌سازد. تربیت معلم، کار دانشگاهی است. به سخن دیگر تربیت معلم باید به افرادی محول شود که هم در زمینه علمی، تخصص داشته‌باشند و هم در زمینه تربیتی با اصول و مبانی تعلیم و تربیت و مهم‌تر از همه، با تعلیم و تربیت



اسلامی که مبنای آن، تفکر و تعقل و همکاری و عدالت‌خواهی است آشنا باشند.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ». بر این اساس تربیت اسلامی، نه تنها، افراد را به ترغیب علم آشنا می‌سازد (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)، بلکه آنها را در همکاری با دیگران و استقرار قسط و عدالت در جامعه ترغیب می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۱). *تعلیم و تربیت اسلامی*. چاپ هفدهم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر ایران.
۲. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۲). *پرورش تفکر*. چاپ اول. تهران: انتشارات فراشناختی.
۳. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۶). *اصول تعلیم و تربیت*. چاپ بیستم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. هولفیش، گوردون و اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۱). *تفکر منطقی روش تعلیم و تربیت*. ترجمه علی شریعتمداری. چاپ ششم. تهران: سمت.
5. Dewey, J. (1938). *Logic: The theory of inquiry*. New York: Henry Halt and company.
6. Dewey, J. (1910). *How we think*. New York. F. C. Heath and co. Publishes.
7. Havicghurst. (1952). *Developmental teaching and education*. Second Edition. New York: Longmans Green and co. Publishes.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

